استقلال و تحریم های اقتصادی

منوچهر تقوی بیات

سه شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۸۹ – ۱ فوریه ۲۰۱۱

استقلال که آن روی دیگر سکه ی آزادی و دموکراسی است پس از شکست انقلاب مشروطیت از ایران رخ بر بست و آن هنگامی بود که قزاق های زیر فرماندهی ژنرال ادموند آیرون ساید فرمانده نیروهای انگلیسی در شمال ایران، در سوم اسفندماه ۱۲۹۹ دست به کودتا زدند. از آن روز تا به امروز نه مردم ایران از آزادی برخوردار بودند و نه استقلال ایران معنای واقعی داشته است. در درازای این سال ها نفت ومنابع طبیعی میهن ما بدون اجازه ی مردم ایران به غارت رفته است. دولت های دست نشانده و وابسته به قدرت های جهانی یکی پس از دیگری اهرم دولت و قدرت نظامی را به دست گرفته و بر جان و مال مردم ما ستم روا داشته اند تا غارتگران جهانی بتوانند مواد خام را ارزان از ایران ببرند و کالاهای ساخته شده ی غربی را به هر قیمت که می خواهند به مردم ما بفروشند.

در این سال ها، حکم حکومتی همیشه از تشکیل حزب و سازمان های آزادیخواه جلوگیری کرده است. دولت از طریق روزنامه های دولتی و دستگاه های آموزشی و رادیو و تلویزیون، مردم را به مصرف کنندگان کالاهای غربی مبدل کرده و هرگونه تولید و تفکر ملی را قدغن کرده اند. اقتصاد حکومت های وابسته در کشور ما، آنچنان برنامه ریزی شده و می شود که با وجود نیروی کار ارزان و منابع طبیعی فراوان و دارا بودن استعداد کشاورزی در استان های گوناگون، ایران به طور وسیعی وارد کننده ی کالاهای مصرفی بوده و حتا پیش پا افتاده ترین کالاهای کشاورزی و صنعتی را هم وارد می کند. سازمان دهی کار و سرمایه و نیز موازنه ی صادرات و واردات به گونه ای است که کشاورزان زمین های خود را رها کرده و درشهرها از گرسنگی تلف می شوند.

کشور پهناوری که دارای معادن گوناگون فراوانی است و بر روی دریاهای گسترده ای از نفت قرار دارد حتا قادر به ساختن سوزن و تولید بنزین مورد نیاز خود نیز نیست و از تولید غذای روزانه ی مردم خود ناتوان است. حکومت اسلامی ایران برای کوچکترین نیازهای خود وابسته به خارج بوده و در برابر هر تصمیم کشورهای تولید کننده ی خارجی شکننده و بی دفاع است. البته تولید اتومبیل و سرهم بندی موشک های بالستیکی نیز چیزی جز صنعت مونتاژ وابسته نیست.

در این گیر ودار هر روز شمار بزرگی از روشنفکران و قلم زن های ما از هر سو نگرانی خود را از تحریم های اقتصادی قدرت های بزرگ اعلام می کنند و نگران آسیب پذیری مردم بی گناه و بی دفاع ایران می باشند، زیرا مردم ایران از دو سو درزیر فشار روزافزون اقتصاد وابسته هستند. از یک سو دولت به گونه ای برنامه ریزی می کند که ملت ایران قادر به تولید هیچ کالایی نباشد و از سوی دیگر قدرت های جهانی، راه واردات را با تحریم های اقتصادی بر روی ملت ما می بندند. حکومت اسلامی وابسته ی ایران روز و شب به جنگ زرگری با قدرت های بزرگ جهانی مشغول است تا توش و توان باقی مانده ی ملت ایران را نابود سازد.
با تحریم و ممنوع کردن حزب ها و سندیکاها و سازمان های سیاسی اجتماعی در داخل کشور یعنی با تحریم آزادی های مردم ، راه برای تشکیل مجلس ملی و دولت ملی مسدود شده و قدرت تصمیم گیری از ملت ایران سلب می شود. برنامه ریزی اقتصادی آنچنان انجام می گیرد که منافع غارتگران جهانی و دلالان و رانت خواران بر همه چیز حتا جان و مال مردم و خدا و پیغمبر پیشی می گیرد. سرمایه داران و دلالان کلان در حکومت اسلامی همان کمپرادورها و دلالان حکومت وابسته ی شاهنشاهی نیستند. همه ی میلیاردرها و رانت خواران کنونی که لیست شماری از آن ها منتشر شده است، سی سال پیش از دعانویسان، جن گیران، روضه خوانان و طلبه های بی چیز، چاقوکشان و دزدان و باج بگیران محله های فقیر و حصیرآبادها بودند. سرمایه داران جهانی درست به همین قماش موجودات حقیر نیاز دارند. این ها نه اقتصاددانند و نه برنامه ریزی می دانند. این آدم کش ها برای بدست آوردن قدرت و پول ، دست به هرگونه جنایتی می زنند. این سی و دو سال حکومت اسلامی نشان داده است که همه ی شاخص های سرمایه داری وابسته ی حکومت پهلوی به شدید ترین شکل در حکومت اسلامی ادامه پیدا کرده است. جای شاپورها و اعضای خانواده ی پهلوی را آقازاده ها و جای تکنوکرات های دلال را آخوندها و اوباش تازه به دوران رسیده گرفته اند.
آن که از تحریم ها سود می برد دلال های خارجی و واسطه های داخلی هستند. سرمایه داران جهانی که این فاجعه را برای مردم ما بوجود آورده اند ، از عواقب و نتایج تحریم ها بخوبی آگاهی دارند زیرا خود آن ها، آفریننده ی این سیستم در سراسر کشورهای توسعه نیافته هستند. اگر یک دولت ملی با زیر بنای اقتصادی ملی دچار تحریم های اقتصادی شود راه توسعه و پیشرفت اقتصادی را سریع خواهد پیمود. در دوران حکومت ملی دکتر مصدق تحریم دولت های باختری برای خرید نفت ایران راه رونق صنایع داخلی و کشاورزی را هموارتر کرد و دولت ایران برای اولین بار در تاریخ معاصر به موازنه ی واردات و

صادرات بدون فروش نفت دست یافت. ایران در آن روزگار بر خلاف اراده ی تحریم کنندگان گامی بلند به سوی استقلال سیاسی و اقتصادی خود برداشت. سرمایه داران جهانی چون در این راه با شکست روبرو شدند دست به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زدند و دولت برآمده از اراده ی مردم را ساقط کردند. اما حکومت اسلامی دلالان و رانت خواران که زندگی و ارکان اقتصادی اش به واردات بستگی کامل دارد در برابر تحریم ها ناتوان است. با بسته شدن راه کالاهای وارداتی آسیب اساسی به مردم وارد می آید و بازار قاچاق دلالان و رانت خواران گرم تر و پررونق تر می شود.

استکهلم ـ دهم بهمن ۱۳۸۹ خورشیدی برابر با ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی